

ازدواج «جلال» و «سیمین» و حاشیه‌هایش

31 فروردین 1404

خواهرزاده جلال آل احمد در نوشتاری به روابط عاطفی و فکری جلال آل احمد و سمین دانشور پرداخته است.

محمدحسین دانایی به مناسبت سالگرد ازدواج جلال آل احمد و سمین دانشور، زوج نویسنده مشهور ادبیات معاصرمان (۳۰ فروردین ۱۳۲۹) در یادداشتی با عنوان «تحلیل محتوای یک پیوند» که در اختیار ایسنا قرار داده، نوشته است:

«سوار عشق شو، و ز ره میندیش

که اسبِ عشق بس رهوار باشد

به یک حمله تو را منزل رساند

اگر چه راه ناهموار باشد(مولوی)

عواطف و احساسات در ساماندهی یا بی‌سروسامانی زندگی ما چه نقشی دارند؟ آیا فقط پدیده‌های ذهنی هستند که در خلوت خصوصی‌مان پدیدار می‌شوند، یا پیامدهای عینی و اجتماعی عمیق‌تری هم دارند و بر سرنوشت یا سرگذشت‌مان اثر می‌گذارند؟

زنده‌یادان جلال آل احمد و سیمین دانشور که امروز در شمار نویسندگان نامدار ایرانی قرار دارند، در سال ۱۳۲۷ در جریان سفری به شیراز با همدیگر آشنا شدند. این آشنایی، مقدمه عشق و علاقه‌ای افسانه‌ای بود که در ۳۰ فروردین ۱۳۲۹ به ازدواج انجامید.

این ازدواج از آغاز مسأله‌دار و مسأله‌ساز بود، چون این دو تن از لحاظ وضعیت خانوادگی و فرهنگی و جایگاه طبقاتی و اجتماعی تفاوت‌های زیادی با هم داشتند و پیوند زناشویی‌شان کمی غیرمتعارف و رازگونه به نظر می‌رسید، ولی بستگان و آشنایان، به‌زودی با موضوع کنار آمدند و پذیرفتند که این دو تن، به‌اصطلاح، یک جان در دو قالبند و سری از هم سوا. بدین ترتیب، زندگی مشترک آنان آغاز شد و چون علایق مشترکی هم داشتند، لذا پیوند زناشویی‌شان، رنگ‌وبوی همکاری گرفت و تا پایان عمرشان هم ادامه یافت، با نتایج و دستاوردهایی که برکاتش هنوز هم در فضای «خانه - موزه سیمین و جلال» به صورت یک حسنه جاریه محفوظ مانده و محسوس است.

اما از طرف دیگر، موفقیت‌های فرهنگی و مطرح‌شدن این دو چهره در جامعه ادبی کشور، به‌تدریج باعث قطبی‌شدن فضای پیرامونی آنان شد، یعنی گروهی متعصبانه به سمت آل احمد غش کردند و گروهی به سمت دانشور و بعد هم حرف و حدیث‌هایی درباره مناسبات یا دادوستدهای حرفه‌ای آنان درگرفت و صحنه رقابت و حتی تخاصم(!) فرضی این دو تن چنان آراسته شد که گویی زندگی مشترک آنان بازار

مکاره‌ای است که هر کس می‌کوشد تا متاع خویش را زودتر از دیگران به پول نزدیک کند! این‌گونه توهّمات ناشی از همذات‌پنداری و تعصبات ناشی از ارادت یا عداوت افراطی نسبت به یکی از طرفین، مخصوصاً پس از فوت آل‌احمد، شدت گرفت تا جایی که برخی از افراد، آل‌احمد را به درجه رفیع مرشدی و مرادی ارتقاء دادند و دانشور را نهال کوچکی در سایه‌سار او پنداشتند و برخی دیگر بر عکس عمل کردند، یعنی از دانشور یک موجود اسطوره‌ای ساختند که در منتهالیه مدرّج کمالات بشری نشسته - و عمرش را در راه یک همسر بی‌استعداد و بی‌عاطفه و بی‌وفا (!) تباه کرده است. حقا که اینگونه صورت‌سازی‌های حقیر و مستعمل برای ترسیم ماهیت زندگی یک زوج هنرمند و روشنفکر، هم‌گمراه‌کننده است و هم تأسف‌بار.

انتشارات رویای آبی

ناشر کتاب‌های روان‌شناسی و مدیریت

مدیر انتشارات: دکتر آرش شایسته نیا

تلفن سفارش چاپ کتاب

۰۹۳۰۳۳۱۴۸۳۸

بدیهی است که نگاهی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی به ساختار روابط و ویژگی‌های پیوند این دو نویسنده و تحلیل محتوای این ویژگی‌ها، می‌تواند در کشف حقیقت مؤثر باشد، ویژگی‌هایی همچون احترام

و اعتماد متقابل، پایداری، همگرایی، همکاری، حمایت و باروری:

(۱) جاذبه متقابل بر اساس شباهت‌های فکری و فرهنگی: این فرایند موجب می‌شود که افراد جذب کسانی شوند که جهان‌بینی، نظام ارزش‌ها و علایق مشترک دارند. جلال آل‌احمد و سیمین دانشور هم هر دو اهل قلم، روشنفکر، منتقد ادبی و اجتماعی و دغدغه‌مند مسائل فرهنگ معاصر بودند و همین‌گونه اشتراکات، ستون‌هایی شدند برای تأسیس و تقویت یک رابطه پایدار.

(۲) اصل تکمیل‌کنندگی: بیشتر افراد در فرایند ایجاد روابط عاطفی، به دنبال رشد و کمال خود هستند. جلال آل‌احمد شخصیتی پرشور، تند و تیز و پرخاشگرانه داشت، در حالی‌که همسرش سیمین دانشور فردی آرام‌تر، متین و متفکر بود. طبیعتاً این تضاد، می‌توانست باعث تعدیل و تصحیح رفتارها و رشد و کمال دوسویه آنان شود.

(۳) رشد در فرایند رابطه: یک رابطه در صورتی سالم و پایدار خواهد بود که به رشد فکری و احساسی هر دو طرف کمک کند. از این لحاظ سیمین دانشور نقش مهمی در حمایت فکری و روحی از آل‌احمد داشت و جلال آل‌احمد نیز دانشور را در مسیر نویسنده‌گی تشویق و حمایت می‌کرد.

(۴) عشق و احترام متقابل: یک رابطه ایده‌آل ترکیبی از صمیمیت، اشتیاق و تعهد است. رابطه این زوج ادبی هم گرچه فرازونشیب‌هایی داشت، اما همواره مبتنی بر احترام، تعهد و صمیمیت بود. آثار باقی‌مانده از این دوتن و آنچه درباره یکدیگر نوشته‌اند، سندی برای اثبات صحت این گزاره است.

(۵) همکاری فکری و الهام‌بخشی: این دو تن از معدود زوج‌های روشنفکر ایرانی بودند که با وجود دیدگاه‌های متفاوت، تأثیر عمیقی بر کارهای یکدیگر گذاشتند. سیمین دانشور تحت تأثیر جلال آل‌احمد و در بستر روابط و مناسبات اجتماعی آل‌احمد، به نویسنده‌ای برجسته تبدیل شد. جلال آل‌احمد نیز از نگاه زنانه و متعادل همسرش هم در روابط اجتماعی و هم در آثار ادبی خویش بهره‌ها برد.

(۶) برخورداری از دیدگاه انتقادی مشترک: هر دو تن به مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه توجه داشتند و آثارشان نیز بیانگر دغدغه‌های مشترکشان بود، با این تفاوت شکلی که آل‌احمد با قلم تند و زهدارش به نقد می‌پرداخت و همسرش با شیوه‌ای احساسی‌تر و قلمی هنرمندانه‌تر.

در مجموع، می‌توان بدین نتیجه دست یافت که رابطه جلال آل‌احمد و سیمین دانشور یک نمونه جذاب و بی‌بدیل از یک پیوند احساسی، عاطفی، فکری و فرهنگی در دوران معاصر است، پیوندی عمیق و قوی علی‌رغم وجود تفاوت‌هایی در سبک زندگی و عقایدشان، پیوندی برآمده از شباهت‌های نظری، روحیه همکاری، احترام متقابل و حمایت فکری و اجتماعی، و سرانجام پیوندی نه تنها احساسی و عاطفی، بلکه قابل تحلیل و توجیه علمی که نشان‌دهنده عمق و معناداری رابطه آن‌هاست و اگر چنین نبود، سیمین دانشور تا ۴۰ سال پس از درگذشت همسر و تا لحظه وداع خودش از زندگی، حلقه ازدواج با -«جلال زندگی» اش را به انگشت نمی‌کرد، یاد او را زنده نگه نمی‌داشت و به نیکی و احترام از او یاد نمی‌کرد.

بدون تردید، این نوع پیوند می‌تواند الگوی ارزشمندی برای جوانان امروز باشد، تا بخوانند و بدانند که

«اسبِ عشق بس رهوار باشد!»

*خبرنگار: ندا ولی پور